

ناامنی جهانی^۱

گروه ترجمه معاونت پژوهش و تولید علم

□ مقدمه

این گونه وانمود شد که پایان جنگ سرد به معنای وارد شدن در یک عصر جدید از صلح و امنیت است. اما در مقابل، میلیون ها نفر خود را در کانون درگیری های جدید می بینند. هم اینک ما به خوبی با تصاویر دلخراش و غم انگیز ناشی از بدبختی های بشری در افغانستان و دیگر کشورها آشنا هستیم. برخی از جوامع، در نتیجه پاکسازی های قومی و دیگر راهبردهای سیاسی که با هدف کنترل بر اراضی صورت گرفت از هم پاشیده شدند و مردم آنها آواره گشتند. این روند، موجب جا به جایی های عمده جمعیتی در درون کشورها گردید. در مقابل، کارکنان امدادی، نیروهای نظامی حافظ صلح، رسانه های بین المللی، جانیتهاران و مزدورها نیز در درون و خارج از مناطق درگیری رفت و آمد نمودند. جنگ هایی که ظاهراً ماهیت محلی دارند، در واقع تأثیرات جهانی در پی دارند. پس از پایان جنگ سرد، کشورهایی که از پیشرفته ترین قابلیت های نظامی برخوردار بودند و نیز بیشترین مزیت های ژئوپلیتیکی را در اختیار داشتند تلاش کردند تا دگترین های دیپلماتیکی و نظامی جدیدی تدوین کنند. اما این رویکردها ضعف های قابل ملاحظه ای داشتند.

^۱ . GLOBAL INSECURITY

نویسنده: ماری. کالدور (MARY KALDOR)، ناشر: انتشارات پینتر (PINTER)، سال نشر: ۲۰۰۰، تعداد صفحه: ۲۴۴، آمریکا.

بیشتر کارها بر روی دیپلماسی از بالا به پایین متمرکز بود که این نوع دیپلماسی برای حل بسیاری از درگیری های جاری کارساز نیست.

در نتیجه، دلائل درگیری ها به خوبی شناخته نمی شوند و دخالت های نظامی همچنان ادامه می یابند و مانع تلاش های بشر دوستانه می شوند و دیپلماسی از بالا به پایین نتایج ناپایداری را به دنبال دارد.

لذا ضرورت جایگزین کردن دیپلماسی از بالا به پایین و دکترین های ساده لوحانه نظامی با اقداماتی جهت افزایش کنترل دموکراتیک بر خشونت های سازماندهی شده از نتیجه گیری های کلیدی و اصلی این کتاب محسوب می شود.

همچنین، حمایت از جامعه مدنی برای جلوگیری از درگیری ها و حل آنها در سطح ملی به همراه اقداماتی جهت برخورد با درگیری ها در سطح جهانی از نکاتی هستند که در کتاب «ناامنی جهانی» مورد بحث قرار گرفته اند.

این راهبرد جدید شامل سازمان های جامعه مدنی جهت ایجاد دموکراسی از پایین می باشد تا حسابرسی های بیشتر پیرامون اقدامات دولتها در قبال قوانین بین المللی صورت گیرد و کنترل فزاینده ای در زمینه بازار جهانی تسلیحات و تجدید ساختار و رویکرد نیروهای مسلح به سمت حفظ صلح پدید آید و تاکید بیشتری در زمینه برنامه های بازسازی و ضرورت کاهش تنش های اجتماعی به عمل آید.

البته دستیابی به این اهداف دشوار بوده و چالش های سیاسی بیشتری را به دنبال دارد، اما به هر حال به عنوان تنها ابزارهایی هستند که می توانند صلح بلندمدت جهانی را تضمین کنند.

این کتاب مشتمل بر ۷ فصل به شرح زیر است:

- فصل اول: مقدمه، جنگ های جدید، تجدید ساختار بخش های نظامی جهانی و رقابت مفاهیم امنیتی.
- فصل دوم: جنگ های افریقا، علت جنگ ها در این قاره؟ ریشه یابی جنگ ها، منطق جنگ، علت گسترش جنگ ها، علت تکرار جنگ ها؟ استیلا طلبی در دهه ۱۹۹۰، عوامل بین المللی.

- فصل سوم: جنگ های سرد و درگیری های متوقف شده: تجارب اروپا، درگیری های متوقف شده، مراحل حل درگیری، جنگ سرد بزرگ و درگیری های قومی.
- فصل چهارم: از انسان دوستی تا بازسازی: به سمت یک رویکرد جایگزینی جهت احیاء اقتصادی و اجتماعی از جنگ، جنگ های جدید: کاربردها جهت بازسازی پس از جنگ، واکنش ها، بازسازی پس از جنگ در بوسنی- هرزگوین.
- فصل پنجم: تغییر ترکیب جهانی نیروهای مسلح و فناوری نظامی: روندها به سمت اطلاعاتی شدن، مفاهیم تهدیدات آینده، خصوصی سازی خشونت، طرف تامین کننده: مسلح کردن شبه نظامیان.
- فصل ششم: شلیک توپ ها: ایجاد صنایع تسلیحات قرن بیست و یکم، ایجاد صنایع جدید تسلیحاتی، تنظیم آرایش جهانی پس از جنگ سرد، خصوصیات مشترک تغییر بخش تسلیحات در اطراف جهان، آینده جنگ و صنایع تسلیحات، جهانی شدن و صنایع تسلیحات.
- فصل هفتم: نتیجه گیری ها، مهار جنگ ها، اصلاح بخش امنیتی، حذف شکل های خصوصی خشونت، بازسازی اقتصادها، حسابرسی دموکراتیک.

□ نظریه مترجم:

کتاب مزبور حاوی نکات قابل تأملی است که به نظر می رسد آشنایی علاقه مندان به امور امنیت ملی و بین المللی با چکیده ای از مطالب آن مفید باشد. موضوعاتی که در کتاب «ناامنی جهانی» مورد بررسی قرار گرفته اند از ظاهر عوام پسندانه ای برخوردارند و گرچه در این کتاب به فجایع بشری و ناامنی ها در نقاط مختلف جهان پس از دوران جنگ سرد اشاره شده، اما به علت اصلی این ناامنی ها و فجایع که ریشه در روحیه استکباری و زورگویی قدرت های استعماری به ویژه امریکا و دیگر کشورهای اروپایی دارد، اشاره ای نشده است. نویسنده کتاب از موضوع افغانستان به عنوان حادثه دلخراش یاد کرده، اما علت این مصیبت را که تجاوز دولت های استعمارگر امریکا و انگلیس به افغانستان است، بیان نکرده است.

طبیعی است که امروزه هر انسان منصف در هر نقطه ای از جهان به این واقعیت پی برده است که ریشه اصلی ناامنی ها در جهان کنونی، کشورهای زورگو و در رأس آنها امریکا می باشد که از اشغال دیگر کشورها و آوارگی و کشتار مردم هیچ ابایی ندارد و آنچه برای این کشور مهم است دستیابی به مطامع نامشروع و اهداف سلطه طلبانه است که به نام حقوق بشر و دموکراسی در جهان مطرح می کند.

